

نقد کتاب : تاریخ بابل از تأسیس سلطنت تا غلبه ایرانیان

اسماعیل سنگاری^۱
فرزاد رفیعی‌فر^۲

چکیده

«لئونارد ویلیام کینگ» مورخ و آشورشناس بریتانیایی در کتاب «تاریخ بابل از تأسیس سلطنت تا غلبه ایرانیان» تاریخ و تمدن بابل را از زمان ورود اموری‌ها و تأسیس نخستین سلسله حاکم در این شهر تا تسخیر آن به دست کوروش دوم پارسی مورد بررسی قرار داده است. تعداد انگشت‌شمار آثار تألیفی و ترجمه شده مرتبط با تاریخ میان‌رودان و بابل باستان در بازار نشر موجب شده است که به رغم گذشت بیش از صد سال از انتشار این اثر، نقد و ارزیابی نسخه برگردان فارسی آن ضرورت یابد. بدین‌جهت در پژوهش حاضر پس از چکیده‌ای از مطالب و مباحث مندرج در کتاب، نقد و ارزیابی اثر مذکور از جهات شکلی، محتوایی و بررسی جایگاه آن در میان سایر آثار مرتبط با تاریخ بابل در دستور کار قرار گرفته است.

^۱ دانشجویار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، دکتری تاریخ، زبان‌ها و تمدن‌های دنیای باستان؛ (نویسنده مسئول) e.sangari@ltr.ui.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان، دانشگاه اصفهان؛ f.rafiifar@yahoo.com

کلیدواژه‌ها: بابل، میان‌رودان، لئونارد ویلیام کینگ، حمورابی، کلدانیان

مقدمه

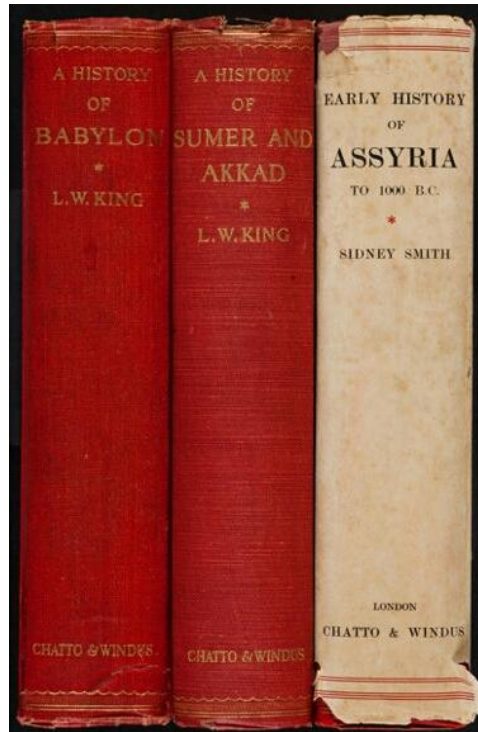
در جهان امروز نقش و تأثیر انکارناپذیر نقد علمی و ارزیابی انتقادی در بهبود کیفیت آثار پژوهشی در زمینه‌های گوناگون و به‌ویژه در حوزه علوم تاریخی به صورت پیش‌فرضی اساسی مورد پذیرش بیشتر اعضای جامعه علمی و پژوهشی قرار گرفته است. در حقیقت فرهنگ نقد و نقدپذیری در سال‌های اخیر جایگاه خاصی در فضای فکری و اندیشه پژوهشگران کشور یافته است که بر این اساس، می‌توان چنین قضاوت کرد که ضرورت اهتمام و توجه به نقد علمی و عمیق آثار و کتب تاریخی دیگر بر هیچ یک از مورخان و صاحب‌نظران حوزه علوم تاریخی پوشیده نیست. روشن است که نقد سالم، بی‌غرض و همه‌جانبه به صورت مستقیم در شتابدهی و سرعت‌بخشی به روند پیشرفت تاریخ‌پژوهشی مؤثر بوده و از طریق فراهم ساختن فرصت‌های مناسب برای بحث و تبادل نظر علمی، و نیز ایجاد ممری برای انتقال انتقادات، پیشنهادات و به چالش کشیدن نظرات مؤلفان و صاحبان آثار تاریخی، موجب افزایش نشاط، شادابی و تکاپو در جامعه علمی و پژوهشی کشور می‌شود. از سوی دیگر، ماهیت بی‌طرفانه و به دور از پیشداوری نقد علمی سبب شده است که تحلیل

و ارزیابی آثار پژوهشی در فضایی دوستانه و خیرخواهانه صورت گیرد. بدین‌سان، نقد سالم و سازنده - بدون آن‌که به ایجاد کدورت میان پژوهشگر و نقاد منجر شود یا به فرصتی برای ابراز غرض-ورزی و تسویه حساب‌های شخصی تبدیل شود- به ابزاری مفید و کاربردی در دست پژوهشگران، مورخان و دانشجویان مبدل شده است.

پژوهش حاضر که بر پایه ساختار پیشنهادی «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» تهیه و تنظیم شده است، بر آن است تا از طریق نقد و ارزیابی انتقادی، ابعاد مختلف شکلی و محتوایی کتاب «تاریخ بابل از تأسیس سلطنت تا غلبه ایرانیان» و نیز تحلیل و تبیین جایگاه این اثر در میان سایر آثار پژوهشی مرتبط با این حوزه زمانی و مکانی، گامی هرچند ناچیز در رونق هر چه بیشتر فرهنگ نقد علمی برداشته و سهمی در بهبود بخشیدن به کیفیت تحقیقات تاریخ میان‌رودان باستان ایفا کند. لازم به ذکر است در سراسر این مقاله برای سهولت در اشاره به نام اثر، از عنوان مصغر «تاریخ بابل» بهره گرفته شده است. همچنین الفاظ «نویسنده» و «مؤلف» برای اشاره به لئونارد ویلیام کینگ مؤلف اثر و لفظ «مترجم» نیز برای اشاره به رقیه بهزادی مترجم فارسی کتاب به کار رفته است.

۱. معرفی کلی اثر

۱-۱. شناسنامه اثر



عنوان: تاریخ بابل از تأسیس سلطنت تا غلبه
ایرانیان
نویسنده: لئونارد ویلیام کینگ
مترجم: دکتر رقیه بهزادی
ناشر: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران،
۱۳۸۶، چاپ دوم
شمارگان: ۲۰۰۰

۱-۲. محتوا و اهداف اثر
کتاب «تاریخ بابل، از تأسیس سلطنت تا غلبه-
ایرانیان» ترجمه دکتر رقیه بهزادی و ویراسته

منوچهر امیری، ترجمه فارسی اثری است از لئونارد ویلیام کینگ آشورشناس بریتانیایی که به سال ۱۹۱۵ میلادی تحت عنوان *A History of Babylon from the Foundation of the monarchy to the Persian conquest* توسط انتشارات Chatto Windus منتشر شده است. گفتنی است کتاب حاضر جلد دوم از مجموعه‌ای سه جلدی با عنوان *A History of Babylonia and Assyria* است که مجلدات اول و سوم آن به فارسی ترجمه نشده است. جلد نخست این مجموعه تحت عنوان *A history of Sumer and Akkad* نیز همانند جلد دوم توسط لئونارد کینگ نوشته شده است، اما نگارش جلد سوم مجموعه که به تاریخ آشور تا ۱۰۰۰ پیش از میلاد می‌پردازد پس از درگذشت مؤلف، بر عهده آشورشناس بریتانیایی دیگری به نام سیدنی اسمیت گذاشته شد. متن نسخه اصلی کتاب از طریق سایت دانشگاه پرینستون به صورت آنلاین قابل دسترسی است و به عنوان مبنایی برای قضاوت در باب ترجمه فارسی این اثر مورد استفاده قرار گرفته است.

برگردان فارسی اثر که در بهار ۱۳۸۶ در ۴۰۳ صفحه توسط انتشارات علمی و فرهنگی برای بار دوم به زیور طبع آراسته شد، شامل فهرست مطالب و فهرست لوح‌ها، شکل‌ها، نقشه‌ها و طرح‌ها (هرکدام به صورت مجزا)، پیشگفتار مؤلف، ده فصل (فاقد هرگونه مدخل درونی)، یادداشتهای فصول ده‌گانه و ضمائم است. مؤلف در فصل اول کتاب (مقدمه: مقام بابل در تاریخ باستان) که به مثابه دیباچه‌ای برای ورود به مباحث اصلی در ابتدای اثر قرار گرفته

است به مقام بابل در تاریخ منطقه و جهان باستان و چگونگی گسترش و تأثیرگذاری فرهنگ بابلی بر سایر تمدن‌ها اشاره کرده است. فصل دوم اثر تحت عنوان شهر بابل و بقایای آن: بحثی درباره کاوش‌های اخیر، شامل نتایج آخرین و مهم‌ترین کاوش‌های باستان‌شناسی (تا زمان نگارش کتاب در سال ۱۹۱۵ میلادی) و همچنین شرحی درباره بقایا و بازمانده‌های بابل باستانی است. فصل سوم نیز تحت عنوان سلسله‌های بابل: طرح ترتیب تاریخی با توجه به کاوش‌های اخیر به ارائه ترتیب و توالی تاریخی خاندان‌های حکومتگر در بابل و شرح همزمانی فرمانروایی آنان با سلسله‌های حاکم در سایر مناطق و شهرهای مهم پرداخته است. فصل چهارم کتاب (سامی‌های غربی و نخستین سلسله بابل) به ارائه شرحی کوتاه از تاریخچه اقوام موسوم به سامی‌های غربی، چگونگی ورود اموری‌ها^۱ (در کتاب این عنوان همچنین به صورت عموری‌ها نیز درج گردیده است) به بابل، تأسیس نخستین سلسله بابل به دست این قوم و همچنین تاریخ بابل در دوره حکومت نخستین شاهان این سلسله اختصاص یافته است. مؤلف در فصل پنجم که آن را به سبب اهمیت و نقش انکارناپذیر حمورابی^۲ در تاریخ بابل و میان‌رودان باستان، عصر حمورابی و تأثیر آن بر ادوار بعدی نام‌گذاری کرده است، به شرحی از اقدامات این فرمانروا و به ویژه بررسی چگونگی نظام قضایی و قانونی بابل در دوره وی پرداخته است. در نهایت چگونگی زوال و انحطاط تدریجی سلسله نخست و همچنین انقراض این سلسله به دست هیتی‌های^۳

مهاجم در فصل ششم اثر تحت عنوان *پایان سلسله اول و پادشاهان کشور دریا*^۶ شرح داده شده است. در این فصل قدرت‌گیری و تداوم دومین سلسله بابل، موسوم به پادشاهان کشور دریا نیز مورد بررسی قرار گرفته است. فصل هفتم کتاب که *سلسله کاسی ها*^۷ و روابط آن با مصر و امپراتوری هیتی نام دارد به شرح وقایع دوران تسلط کاسی‌ها بر بابل، روابط این فرمانروایان با سایر قدرت‌ها و حکومت‌های منطقه و همچنین چگونگی سقوط سلسله کاسی‌ها می‌پردازد. تاریخ بابل در دوره سلسله‌های کم‌دوام و زودگذر بعدی و چگونگی روابط بابلیان با امپراتوری آشور در فصل هشتم، تحت عنوان *سلسله‌های متأخر و تسلط آشور* شرح داده شده است. فصل نهم اثر تحت عنوان *دولت نو-بابلی و غلبه ایرانیان* به شرح آخرین دوره عظمت بابل، یعنی امپراتوری نو-بابلی اختصاص یافته است. این امپراتوری در نهایت پس از گشوده شدن شهر توسط سپاهیان کوروش دوم هخامنشی در ۵۳۹ پیش از میلاد منقرض شد. آخرین صفحات این فصل همچنین شامل اشاراتی کوتاه به وضعیت بابل در دوره تسلط شاهان بعدی هخامنشی، اسکندر و جانشینان وی است. تأثیرات فرهنگی بابل بر سایر اقوام و مردمان معاصر و پس از خود موضوعی است که در آخرین فصل اثر تحت عنوان *یونان، فلسطین و بابل: ارزیابی تأثیرات فرهنگی* مورد بررسی قرار گرفته است. گفتنی است مؤلف در این فصل بیش از هر چیز بر برشماری و شرح تأثیرات فرهنگی بابل بر تمدن و فرهنگ یونان و عبرانیان باستان (به ویژه در

زمینه‌های ستاره‌شناسی و اسطوره‌شناسی) تمرکز کرده است.

نویسنده در پیشگفتار کتاب به صورت تلویحی به هدف خود از نگارش این اثر اشاره کرده است. در حقیقت چاپ و انتشار این اثر در زمانی صورت گرفته است که سرگذشت بابل به سبب کاوش‌های باستان‌شناسی از ابهام بیرون آمده بوده است (کینگ، ۱۳۸۶: هفده)؛ بنابراین می‌توان چنین قضاوت کرد که مؤلف زمان مناسبی را برای پرداختن به تاریخ بابل برگزید. همچنین نویسنده مدعی است این توفیق را یافته است که نتایج آخرین پژوهش‌ها و کاوش‌های صورت گرفته را -که حتی برخی از آن‌ها پیش از آن در جایی دیگر منتشر نشده بود- به اثر خود بیفزاید (کینگ، ۱۳۸۶: نوزده). بر این اساس، به نظر می‌رسد «تاریخ بابل» در سال ۱۹۱۵ میلادی به صورت پژوهشی روزآمد و جامع منتشر شده است. اما از سویی دیگر باید در نظر داشت که در فاصله یکصد ساله‌ای که از انتشار این اثر می‌گذرد، کاوش‌های باستان‌شناسی و تحقیقات پژوهشگران سبب افزایش آگاهی و تحول و دگرگونی عظیمی در درک و دریافت مورخ امروزی از تاریخ بابل و سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌های میان‌رودان باستان شده است. بدین سبب پژوهش حاضر به منزله دآوری و قضاوت درباره اثری خواهد بود که در حوزه پژوهش‌های نوین و بنیادین آثار کلاسیک و کهن حائز جایگاه خاصی نیست.

۲. نقد و ارزیابی ابعاد شکلی اثر

برای تحلیل جامع‌تر و بهتر در دو بخش جداگانه به بررسی امتیازات و کاستی‌های موجود در ابعاد شکلی اثر پرداخته خواهد شد.

۱-۲. بیان امتیازات

۱-۱-۲. رعایت وفاداری در ترجمه

مقابله و مقایسه متن برگردان فارسی اثر با نسخه انگلیسی آن نمایانگر رعایت وفاداری و امانت از سوی مترجم فارسی و اجتناب از هرگونه دخل و تصرف در امر ترجمه مطالب کتاب است. به عبارت دیگر نسخه برگردان فارسی کتاب «تاریخ بابل»، (برخلاف آنچه امروزه در ترجمه برخی از آثار و منابع تاریخی دیگر مشاهده می‌شود) به طور کامل با متن اصلی اثر منطبق بوده و عاری از هر گونه جا-افتادگی یا حذف بخش‌هایی از مطالب است.

۲-۱-۲. نقشه‌ها و شکل‌های کاربردی

اثر حاضر از وجود تعداد قابل توجهی لوح (تصویر)، شکل، نقشه و طرح سود می‌برد که سیاهه تمامی آن‌ها به همراه شماره صفحه محل درج در سه فهرست جداگانه و مجزا در صفحات آغازین کتاب ثبت شده است. به رغم کیفیت نه چندان مطلوب چاپ، تصاویر کتاب، طرح‌ها، شکل‌ها و نقشه‌های موجود تقریباً خوب منتشر شده‌اند و به یاری مخاطب در فهم عمیق‌تر، امکان درک بهتر مطالب را فراهم می‌سازند.

۳-۱-۲. فهرست‌های کاربردی و مفید

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد در صفحات آغازین کتاب به جز فهرست کلی و جامع مطالب، سه فهرست جداگانه نیز برای دستیابی آسان‌تر به لوح-

ها، شکل‌ها، نقشه‌ها و طرح‌های موجود در اثر تهیه شده است. البته گفتنی است که سیاهه فصول ده‌گانه کتاب در نسخه اصلی اثر به صورت تفصیلی درج شده است؛ در حالی که در برگردان فارسی کتاب تنها به ذکر عنوان اصلی هر فصل اکتفا شده است (شایسته-تر بود در ترجمه فارسی اثر نیز به مانند نسخه اصلی فهرست به صورت تفصیلی ارائه می‌شد). همچنین در انتهای کتاب نیز فهرست و سالشماری دوره حکومت پادشاهان بابل و برخی از سلسله‌های مرتبط با تاریخ بابل در دو فهرست کاربردی ارائه شده است. البته باید در نظر داشت که بر طبق پژوهش‌های جدید، تغییرات عمده‌ای به نسبت زمان نگارش این اثر در اوایل سده بیستم میلادی در سالشماری پذیرفته شده برای زمان تأسیس، حکمرانی و سقوط برخی از سلسله‌ها و شاهان بابل و سایر مناطق میان‌رودان به وجود آمده است. در نتیجه، ضرورت دارد در هنگام استفاده از اطلاعات سالشماری ارائه شده از سوی نویسنده با احتیاط بسیار عمل کرده، تا حد امکان تاریخ‌های درج شده در کتاب را با سالشماری پیشنهادی آثار و پژوهش‌های جدید مورد مقایسه قرار داد. به عنوان نمونه در فهرست سلسله‌ای پادشاهان بابل مندرج در صفحه ۴۰۲، دوران حکومت طولانی سامسو-ایلونا (از شاهان سلسله نخست بابل) از سال ۲۰۸۰ تا ۲۰۴۳ پیش از میلاد ذکر شده است، این در حالی است که این فرمانروا در حقیقت در فاصله میان سال‌های ۱۷۴۹ تا ۱۷۱۲ بر تخت سلطنت تکیه زده بود (Leick, 2010: 82).

۲-۲. بیان کاستی‌ها و معایب

۲-۲-۱. کیفیت فیزیکی و چاپی نازل اثر

اثر حاضر از نظر کیفیت فیزیکی در سطحی بسیار پایین قرار دارد. شوربختانه شرکت انتشارات علمی و فرهنگی به عنوان یکی از باسابقه‌ترین فعالان حوزه نشر در کشور که در طول سالیان متمادی آثار فاخر و ارزشمند متعددی در زمینه علوم تاریخی به چاپ رسانده است، مدت‌ها است که بدین‌مهم‌وقعی نمی‌نهد. البته روشن است که هدف ناشر محترم بیش از هر چیز کاهش هزینه‌های تولید برای پایین آمدن قیمت کتاب و در نتیجه دسترسی آسان‌تر خوانندگان به آن است، اما می‌توان چنین پنداشت که ناشر می‌تواند از طریق مدیریت هزینه‌ها، درکنار قیمت‌گذاری مناسب، آثاری به مراتب با کیفیت‌تر و با ظاهری چشم‌نوازتر را در اختیار مخاطبان خود قرار دهد. گذشته از جنس نامرغوب جلد و کاغذ کتاب، صحافی اثر نیز به خوبی صورت نگرفته است. از این روی شیرازه کتاب به راحتی پس از استفاده چندباره از هم‌گسسته و اوراق آن به سهولت از یکدیگر جدا می‌شوند. لازم به ذکر است اثر حاضر از نظر کیفیت چاپی نیز در وضعیت چندان مطلوبی قرار ندارد. به عنوان نمونه بر روی جلد کتاب تصویری سیاه و سفید و بسیار بی‌کیفیت از بخش فوقانی ستون سنگی مشهور حمورابی درج شده است که این پادشاه بابل را به صورت ایستاده در پیشگاه خداوند شمش^۶ نشان می‌دهد (بادامچی، ۱۳۹۲: ۴۴). این در حالی است که وجود تصاویر متعدد جدید از این ستون سنگی، جای هیچ‌گونه توجیهی را برای

کیفیت نازل طرح جلد کتاب باقی نمی‌گذارد. گذشته از این، یکی از وظایف ناشران این است که شرحی در باب تصاویر و طرح رو و پشت جلد آثار مطبوع خود ارائه دهند که متأسفانه بدین امر نیز توجهی مبذول نشده است. همچنین نام لئونارد ویلیام کینگ مؤلف کتاب نیز به صورتی اشتباه و با غلط چاپی بر روی جلد درج شده است. توضیح این که حرف "و" به عنوان مخفف نام میانی ایشان به اشتباه به نام کوچک وی چسبانده شده است که سبب می‌شود نام نویسنده "لئوناردو" خوانده شود. از سوی دیگر، به رغم پیشرفتهای روزافزون فنون عکاسی و تصویربرداری و نیز ارتقاء چشمگیر فن و ابزار چاپ که امکان درج تصاویر و طرح‌های باکیفیت را فراهم کرده است، کیفیت چاپ عکس‌های مندرج در کتاب نیز در حدی بسیار نازل (و گاه حتی نازلتر از نسخه اصلی کتاب) قرار دارد. در حقیقت حتی با در نظر گرفتن این حقیقت که تمامی تصاویر به کار رفته در کتاب (که با عنوان لوح‌ها نام‌گذاری شده‌اند) با ابزارهای موجود در زمان نگارش اثر در دهه دوم سده بیستم میلادی تهیه شده‌اند، جایگزین کردن بسیاری از این عکس‌ها با تصاویری جدیدتر و واضح‌تر از همان مکان‌ها و اشیاء مورد نظر کار دشواری نیست. به عنوان نمونه در تصویر صفحه ۸۹ (لوح ۷) که در توضیحات مندرج در ذیل آن به عنوان آجرنوشته‌ای از یکی از شاهان لارسا^۷ معرفی شده است، چیزی به جز صفحه‌ای سیاه با چند نقطه سفید قابل مشاهده نیست. نمونه‌هایی از این دست در جای‌جای اثر به چشم می‌خورد

که برای پرهیز از اطناب به ذکر شماره لوح و صفحه محل درج چند مورد اکتفا می‌کنیم: لوح ۳ (صفحه ۳۵)، لوح ۴ (صفحه ۴۵)، لوح ۹ (صفحه ۱۰۲)، لوح ۱۳ (صفحه ۱۵۹) و لوح ۲۴ (صفحه ۲۵۸). بدین‌ترتیب کیفیت پایین بسیاری از این تصاویر (که نه رنگ و لعاب و زیبایی خاصی به اثر بخشیده و نه حتی امکان حداقل بهره‌برداری و استفاده از آن‌ها برای مخاطب را فراهم ساخته است) این پرسش را مطرح می‌سازد که هدف ناشر از درج این تصاویر چه بوده است؟ افزون بر این، با گشودن تصادفی هر کدام از صفحات کتاب می‌توان دریافت که ناشر گرامی با وجود تأثیر غیر قابل انکار صفحه‌آرایی هنرمندانه و حروفنگاری مناسب در جذب مخاطب و جلوگیری از خستگی و دلزدگی خواننده از مطالعه، این موارد را نیز چندان مورد توجه قرار نداده است.

۲-۲-۲. کاستی در ویراست ادبی و علمی

کتاب حاضر برخلاف بسیاری از آثار مطبوع ناشر محترم که بدون انجام ویراستاری مطلوب روانه بازار نشر شده‌اند، از موهبت برخوردار از نظارت مستقیم یک ویراستار ادبی بهره‌مند گشته است. با این‌حال -به رغم این که با توجه به دقت نظر مترجم و ویراستار اثر در چاپ دوم اغلاط چاپی بسیار اندکی به متن کتاب راه یافته است و قواعد عمومی نگارش نیز در حد نسبی رعایت شده است- میزان روان و رسا بودن برخی از بخش‌های متن دارای ایراداتی است. در حقیقت جملات آغازین پاره-ای از مباحث (به ویژه در آغاز پاراگراف‌ها) به

گونه‌ای تحریر یافته است که حتی خواننده متخصص و آگاه نیز نمی‌تواند میان این مطالب و مباحث پیشین ارتباط مفهومی پیدا کند (به عنوان نمونه به صفحه ۱۳۷، سطر ۶ و صفحه ۱۲۳، سطور ۱۵ تا ۱۷ رجوع شود). افزون بر این به نظر می‌رسد نظارت خاصی در استفاده به موقع و به‌جا از علائم سجاوندی (به ویژه ویرگول) اعمال نشده است. این در حالی است که اصلاح میزان و نحوه به‌کارگیری علائم سجاوندی خود از اصلی‌ترین وظایفی است که بر عهده ویراستاران ادبی قرار دارد. بخش کوتاهی از متن کتاب به عنوان مصداقی بارز از استفاده بی‌جهت و مکرر از ویرگول عیناً نقل می‌شود:

«بعدها، احتمالاً در زمان سلطنت موتالو، فرزند مورسیل، رامسس دوم در صدد بازیافتن سوریه شمالی بازآمد، در نبرد قادش، در کنار رود اورونتس، وی موفق به شکست ارتش هیتیایی شد، و در مرحله اولیه مبارزه خود رامسس نزدیک بود که اسیر شود.» (کینگ، ۱۳۸۶: ۲۲۵)

همچنین گاه در ترجمه بخش‌هایی از متن نیز خطاهایی به چشم می‌خورد که درک مقصود اصلی مؤلف را دشوار می‌سازد. به عنوان نمونه، مؤلف در بخش آغازین فصل ششم به ارائه توضیحاتی در مورد وضعیت بابل در دوره سامسو-ایلونا، جانشین حمورابی پرداخته و در مورد آغاز بحران‌ها در دوره این پادشاه چنین می‌نویسد:

"His ninth year marks the crisis, not only in Samsu-Illuna's own reign, but in the early fortunes of the kingdom." (king, 1915: 197)

مترجم فارسی عبارت مذکور را بدین شکل برگردانده است:

«سال نهم سلطنت او نه تنها حاکی از بحرانی در زمان او، بلکه در وضع کشور نیز بود.» (کینگ، ۱۳۸۶: ۱۸۷)

این در حالی است که به سهولت می‌توان دریافت که مقصود نویسنده این است که بحران پدید آمده در سال نهم فرمانروایی سامسو-ایلونا نه تنها در دوره سلطنت وی، بلکه در آینده نزدیک، پس از او نیز بروز یافته است.^۸ در مجموع به نظر می‌رسد با وجود نزدیکی حوزه تخصصی مترجم به مباحث کلی اثر، بهتر بود کتاب در اختیار یک ویراستار علمی نیز قرار می‌گرفت که افزون بر شناخت کافی از زبان مبداء، در رابطه با مباحث تاریخی مطرح شده نیز تخصص می‌داشت. گفتنی است پاره‌ای از واژه‌های مطرح شده در کتاب نیاز به توضیح یا چاپ دیگر ضبط‌های رایج در زبان فارسی داشت که این کار بدون شک با بررسی اثر توسط یک ویراستار علمی به انجامی بایسته می‌رسید.

۲-۲-۳. کاستی در ترجمه عنوان

عنوان درج شده بر روی جلد نسخه اصلی اثر (A History of Babylon from the Foundation of the Monarchy to the Persian Conquest) به خوبی نمایانگر حوزه مکانی و زمانی

مورد بررسی و پژوهش در کتاب بوده و با مباحث مندرج در آن مطابقت دارد. ترجمه فارسی اثر با عنوان "تاریخ بابل از تأسیس سلطنت تا غلبه ایرانیان" منتشر شده است، عنوانی که هر چند در نگاه نخست برگردان دقیقی از عنوان نسخه اصلی به نظر می‌رسد، اما در حقیقت نمی‌تواند بازتاب‌دهنده مقصود مؤلف باشد. نکته حائز اهمیت این است که در هنگام ترجمه واژه **Persians** از متون انگلیسی و دیگر زبان‌های اروپایی، باید به منظور و مقصود اصلی نویسنده اثر از به کار بردن این واژه توجه داشت، زیرا واژه مذکور به فراخور جایگاه و موقعیت استفاده در بردارنده معانی مختلفی است. توضیح این که واژه **Persians** گاه برای اشاره به تمامی ایرانیان به کار می‌رود و گاه مراد از آن تنها اشاره به یک قوم خاص یعنی پارسیان است. در اینجا این واژه به هخامنشیان اشاره دارد که در سال ۵۳۹ پیش از میلاد موفق به گشودن دروازه‌های بابل و تسخیر این شهر شدند. بنابراین بهتر بود به جای به کار بردن عبارت «ایرانیان» به عنوان معادل واژه **Persians** (که به طور کلی تا پیش از دوره ساسانی برای نامیدن مردمانی که در فلات ایران ساکن بودند، کاربردی نداشت) از عبارت هخامنشیان استفاده می‌شد.

۲-۲-۴. عدم وجود نمایه

درج فهرستی برای ضبط اعلام و اسامی خاص در آثار تاریخی و پژوهشی می‌تواند تا حد قابل توجهی سبب سهولت در استفاده خوانندگان و پژوهشگران از

مطالب کتاب شود. با استفاده از نمایه می‌توان به جای صرف مدت زمان طولانی برای یافتن مطلبی خاص در کتاب، به سرعت تمامی مباحث مرتبط با آن موضوع را یافت. اثر حاضر به علت پرداختن به حوزه زمانی و جغرافیایی وسیع و اشاره به اسامی خاص متعدد (از قبیل نام شخصیت‌ها، شهرها و مکان‌های جغرافیایی فراوان) به شدت نیازمند درج یک یا چند نمایه است. از همین رو، مؤلف نمایه‌ای در حدود ۱۸ صفحه در پایان نسخه اصلی کتاب ارائه داده است. اما این نمایه در نسخه برگردان فارسی به چشم نمی‌خورد و به علتی نامعلوم حذف شده است.

۲-۲-۵. عدم معرفی مؤلف و آثار او

اثر حاضر فاقد هرگونه مقدمه و پیشگفتار به قلم مترجم و ناشر فارسی است و هیچ‌گونه اطلاعاتی در باب کتاب و جایگاه آن در مطالعات تاریخی ارائه نشده است. این در حالی است که لئونارد ویلیام کینگ مؤلف اثر در ایران شناخته شده نیست و تاکنون به جز کتاب "تاریخ بابل" اثری از وی به فارسی ترجمه نشده است. همچنین، باید توجه داشت که اثر حاضر در ابتدای سده بیستم میلادی نگاشته شده و با توجه به حجم انبوه یافته‌های باستان‌شناسی مربوط به میان‌رودان و بابل در دهه‌های اخیر، تا حد زیادی از درجه اعتبار علمی ساقط شده است. در نتیجه، شایسته بود مترجم یا ناشر گرامی در قالب یک مقدمه یا پیشگفتار ضمن معرفی اجمالی مؤلف و آثار وی، علل انتخاب این اثر را

برای ترجمه تشریح می‌کردند. افزون بر این، پیشگفتار مؤلف اثر با این جمله آغاز می‌شود:

«در جلد اول این کتاب درباره نخستین نژادهای بابل، از دوره‌های پیش از تاریخ تا تأسیس سلطنت، شرحی به دست داده ایم.» (کینگ، ۱۳۸۶: هفده)

در حقیقت همان‌گونه که در بخش‌های پیشین این پژوهش اشاره شد اثر حاضر جلد دوم از مجموعه‌ای سه‌جلدی است که توسط انتشارات Chatto Windus به چاپ رسیده است. با توجه به عدم ارائه هرگونه اطلاعاتی در باب این مجموعه و مجلدات آن، حتی احتمال ترجمه و انتشار سایر جلد‌های مجموعه نیز به درستی دانسته نیست.

۳. نقد و ارزیابی ابعاد محتوایی اثر

۳-۱. نقد درون ساختاری

مؤلف پس از ذکر مقدمه‌ای در باب مقام بابل در تاریخ جهان باستان و اختصاص فصل دوم به شرح کاوش‌های باستان‌شناسی انجام شده تا زمان خود، در فصول سوم تا نهم به تاریخ سیاسی و مسائل تمدنی و فرهنگی بابل تحت تسلط سلسله‌های مختلف پرداخته است. بر این اساس، به نظر می‌رسد عناوین فصول و مباحث مطروحه در مجموع از نظم منطقی و انسجام نسبی برخوردار هستند. البته در این میان می‌توان انتقاداتی نیز در باب تسلسل عناوین کلی و همچنین عدم پرداختن به برخی مباحث حائز اهمیت مطرح ساخت. به عنوان نمونه، شایسته بود در فصلی جداگانه به بررسی جغرافیای سرزمین بابل و

تأثیرات پدیده‌های جغرافیایی در تاریخ این تمدن اشاره می‌شد. در حقیقت، همان اندک اطلاعات جغرافیایی موجود در کتاب که به صورت پراکنده و در بخش‌های مختلف متن مطرح شده نیز تنها بر شهر بابل متمرکز بوده است و اشاره چندانی به وضعیت جغرافیایی سایر نواحی قلمرو سلسله‌های حکومتی مختلف بابل به چشم نمی‌خورد. از سوی دیگر، باید توجه داشت که یکی از مهم‌ترین بخش‌های کار محقق در هنگام نگارش تاریخ عبارت از «یافتن، بازسازی و شرح وضعیت‌های گذشته به وسیله بررسی مواد بازمانده از آن زمان‌ها است» (میرجعفری و نورائی ۱۳۸۸: ۳۱). بر این اساس شایسته است تاریخ‌نگاران در هنگام نگارش تاریخ یک سرزمین یا دوره‌ای خاص، منابع مکتوب و غیر مکتوب مورد استناد خود را تا حد ممکن در بخش یا فصلی مجزا معرفی کرده و از این طریق مخاطبان و خوانندگان آثار خود را با منابع و مواد تاریخی موجود در باب دوره مورد بحث آشنا سازند. اما در اثر حاضر به رغم این که در فصل سوم ضمن شرح جدیدترین کاوش‌ها و یافته‌های باستان‌شناختی - تا زمان نگارش اثر در اوایل سده بیستم میلادی - به برخی از منابع مادی و باستان‌شناسی مربوط به تاریخ بابل اشاره شده، اطلاعات چندانی در باب منابع مکتوب موجود در باب تاریخ بابل ارائه نشده است. این در حالی است که پیش از آغاز کاوش‌های باستان‌شناسی و سربرآوردن آثار مادی مربوط به تمدن‌های میان‌رودان باستان در میانه سده نوزدهم میلادی، عمده اطلاعات موجود در باب تاریخ بابل مبتنی بر اشارات کتاب مقدس و

متون تاریخی مورخان کلاسیک، از جمله هرودوتوس و بروسوس^۹ مورخ یونانی‌نویس بابلی بود (Arnold, 2005: 13). بنابراین جا داشت در فصلی تحت عنوان معرفی منابع، منابع مکتوب نیز در کنار یافته‌های باستان‌شناسی معرفی می‌شد. مؤلف همچنین به خوبی از عهده ایجاد نظم و انسجام منطقی درون فصلی نیز برنیامده است. در حقیقت، گاه در برخی از فصول از مباحثی سخن رفته است که ارتباط چندانی با عنوان و موضوع اصلی فصل مربوطه نداشته است. به عنوان نمونه، حجم قابل توجهی از متن فصل هفتم کتاب (سلسله کاسی‌ها و روابط آن با مصر و امپراتوری هیتی) به شرح اوضاع درونی و تاریخ سیاسی مصر باستان و امپراتوری هیتی اختصاص یافته است. شایسته‌تر بود مؤلف در عوض ورود به چنین مباحث عامه‌پسند و غیرضروری، به موضوعاتی نظیر مذهب و عقاید، زبان، خط، ادبیات و سایر مؤلفه‌های فرهنگی مهم در تاریخ بابل پردازد.

۲-۳. نقد منابع و مآخذ

بسیاری از منابع و مآخذ محل رجوع نویسنده اثر، بسیار قدیمی و متعلق به سده نوزدهم یا اوایل سده بیستم میلادی است. بنابراین با در نظر گرفتن این حقیقت که امروزه اعتبار علمی چندانی برای بسیاری از آثار و منابع مورد استفاده و استناد در اثر باقی نمانده است، بخش قابل توجهی از مطالب کتاب قادر به گشودن گرهی از کار مورخ و پژوهشگر امروزی که با حجم عظیمی از داده‌های نو و روزآمد مواجه است نخواهد بود. افزون بر این،

مخاطب فارسی زبان نیز امکان دسترسی به تعداد زیادی از منابع مورد استناد مؤلف را که در یادداشت‌ها معرفی شده‌اند، ندارد. بنابراین می‌توان چنین برداشت کرد که مترجم گرامی می‌توانست از طریق حذف بسیاری از یادداشت‌های مؤلف و جایگزینی این بخش با تعلیقات و حواشی منطبق با پژوهش‌های علمی نوین به غنای اثر حاضر افزوده و آن را به صورت پژوهشی روزآمد و سودمند روانه بازار نشر نماید. همچنین مبنای ارائه پژوهش‌های تاریخی در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم میلادی به گونه‌ای بود که مورخان و پژوهشگران آن دوره بیش از هر چیز به رعایت فنون سخنوری و شیوایی کلام اهمیت داده و چندان پایبند رعایت امانت در ذکر منابع به معنای رایج امروزی نبودند. اثر حاضر نیز با توجه به این که در ابتدای سده بیستم به رشته تحریر درآمده است از این قاعده مستثنی نیست. یادآوری این نکته ضروری است که در متن کتاب به صورت مستقیم به منابع و مآخذ مورد استفاده ارجاع داده نشده است و تنها از طریق ارجاعات و استنادات غیرمستقیم موجود در یادداشت‌های فصول ده‌گانه اثر می‌توان در باب منابع مورد استفاده مؤلف آگاهی یافت. در نتیجه، با وجود اشراف کامل نویسنده بر منابع موجود در زمانه خویش و به رغم این که «تاریخ بابل» در مقام مقایسه با آثار هم‌عرض و هم‌عصر خود از وضعیت خوبی برخوردار بوده است، اثر حاضر از حیث رعایت اصول منبع‌دهی علمی با توجه به

رویکردهای متداول در روش تحقیق مدرن، ضعیف ارزیابی می‌شود.

۳-۳. بررسی کیفیت تجزیه و تحلیل‌های اثر

با نگاهی گذرا بر فهرست مطالب و بررسی عناوین فصول مختلف کتاب می‌توان دریافت که محتوای «تاریخ بابل» بیش از آن که به ارائه مباحثی تخصصی اختصاص یافته باشد، بازگوکننده جستارهایی عامه‌پسند و پیش پا افتاده در باب تاریخ بابل و سرزمین‌های همجوار آن است. به عبارت دیگر سرتاسر متن کتاب مشحون است از شرح رخدادهای نظامی و سیاسی و تشریح ارتباطات میان سلسله‌های حاکم بر بابل و سایر قدرت‌های منطقه. یعنی به عبارت دیگر به موضوعاتی پرداخته شده است که حداقل در زمان انتشار این اثر در نزد عامه مردم و خوانندگان نه چندان متخصص حائز جذابیت بوده است. افزون بر این، نویسنده اثر از فرصت‌ها و قابلیت‌های موجود در بطن برخی از فصول برای تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های تمدنی و جنبه‌های مختلف تاریخ فرهنگ بابل نیز بهره‌چندانی نبرده است. این ضعف به ویژه در واپسین فصل اثر تحت عنوان «یونان، فلسطین و بابل: ارزیابی تأثیرات فرهنگی» به طرز آشکار به چشم می‌خورد که در عوض پرداختن به تحلیل‌های علمی تنها به ذکر برخی از تأثیرات تمدن بابل بر یونان باستان و یهودیان ساکن فلسطین اکتفا شده است. افزون بر این، اندک تحلیل‌های ارائه شده از سوی مؤلف در مقام مقایسه با نتایج پژوهش‌های علمی محققان امروزی از قوام چندانی برخوردار نبوده، سطحی و ضعیف می‌نماید. به عنوان نمونه،

نویسنده در فصل نخست به گونه‌ای ساده‌انگارانه و به دور از نگرش موشکافانه تاریخ‌پژوهان امروزی، اعتلای تمدن بابل و چگونگی حفظ جایگاه برتر این شهر در میان سایر شهرهای میان‌رودان را تنها معلول و وابسته به موقعیت سوق‌الجیشی این شهر و قرارگرفتن بر سر راه‌های تجاری قلمداد کرده و وجود هرگونه ارتباطی میان کوشش‌های ساکنان و افزایش اهمیت شهر را تکذیب می‌کند (کینگ، ۱۳۸۶: ۵). این در حالی است که مورخ امروزی در هنگام بررسی شرایط و عوامل زمینه‌ساز رخداد‌های تاریخی، با پرهیز از تخصیص علتی یگانه به یک رویداد، به دنبال ریشه‌یابی و کشف علل مختلف وقایع است. به عبارت دیگر همان‌گونه که ئی. ایچ. کار تذکر می‌دهد، امروزه «مورخ با مجموعه‌ای از علل سر و کار دارد.» (کار، ۱۳۸۷: ۱۲۲). از این رو روشن است که نگرش ساده‌انگارانه و تک‌علتی مؤلف نمی‌تواند مخاطبان تخصصی و پژوهشگران امروزی را مجاب سازد. از سوی دیگر، نویسنده با وجود کوشش آشکار برای رعایت اصل بی‌طرفی و پرهیز از جانبداری غیر-علمی، در مباحث پایانی اثر از این اصول تخطی کرده است. به عنوان نمونه می‌توان به بخشی از مطالب فصل نهم کتاب (صفحات ۲۷۰ تا ۲۷۸) که به چگونگی سقوط سلسله کلدانی (دولت نو-بابلی) می‌پردازد اشاره کرد که به گونه‌ای احساسی و مبتنی بر تحلیل و نقادی غیرعلمی نگاشته شده است.

۳-۴. میزان نوآوری و روزآمدی در اثر

به طور طبیعی نباید انتظار داشت بتوان در بطن اثری که بیش از یک سده پیش به رشته تحریر

درآمده است و عمده منابع مورد استناد آن مربوط به فاصله میان سال‌های ۱۸۱۰ تا ۱۹۱۴ میلادی است، به اطلاعات جدید و داده‌های نو دست یافت. بر این اساس اثر حاضر باید با توجه به زمان نگارش و انتشار خود ارزیابی شده و در مقایسه با آثار هم-عصر خود مورد سنجش قرار گیرد. به عبارت دیگر شاید بتوان «تاریخ بابل» را در مقایسه با آثار مشابه خود در اوایل سده بیستم تا حدی به عنوان اثری پیشرو محسوب کرد، اما در حقیقت آن چه در این کتاب به عنوان موضوعات نو و روزآمد مطرح شده است، با ورود به نیمه دوم سده بیستم میلادی و در پی پژوهش‌های تاریخی و باستان‌شناختی متعدد به صورت مباحثی عمومی و پیش‌پاافتاده در تاریخ سیاسی و اجتماعی بابل باستان درآمده است. همچنین امروزه صحت بسیاری از مواردی که درستی آن بدون ابراز شک و تردیدی از سوی مؤلف پذیرفته شده بود و به عنوان حقایق تاریخی مطرح می‌شد، رد شده است. به عنوان نمونه، می‌توان به مطالب ارائه شده در کتاب در باب طول عمر و مدت زمان حکومت ریم-سین لارسایی، یکی از شخصیت‌های مهم در تاریخ میان‌رودان باستان و از بزرگترین شاهان لارسا اشاره کرد. لئونارد کینگ عقیده داشت که این شخص پس از بیش از شصت سال حکمرانی در لارسا در برابر حمورابی شکست خورده و به ناچار به اطاعت شاه بابل گردن نهاده است (در حقیقت، مؤلف مطیع ساختن ریم-سین را به عنوان یکی از عمده‌ترین اقدامات حمورابی در تمام طول فرمانروایی وی محسوب می‌کند). طبق نظر نویسنده، ریم-سین پس

از وفات حمورابی نیز در قید حیات بوده و در هشتمین سال پادشاهی سامسو-ایلونا که به جای پدر بر تخت سلطنت بابل تکیه زده بود بر ضد تفوق بابل به شورش برخواسته (کینگ، ۱۳۸۶: ۸۶) و در نهایت در سال بعد شکست خورده و به قتل رسیده است. در صورت صحت این موضوع، شاه لارسا در این زمان می‌بایست بسیار سالخورده و در حدود ۱۰۰ ساله می‌بود. این در حالی است که امروز تردیدی در نادرستی این نظر وجود ندارد. توضیح این که حمورابی در سی و یکمین سال پادشاهی خود بر این هم‌آورد قدیمی خود چیره شد (مجیدزاده، ۱۳۹۶: ۱/۱۳۴) و با قتل ریم-سین خاطر خود را برای همیشه از جهت سرزمین‌های جنوبی آسوده ساخت. بر این اساس، فرمانروای لارسایی که با شورش بر ضد سامسو-ایلونا به تهدید بنیان قدرت بابل در جنوب میان‌رودان پرداخت، فردی همان ریم-سین مذکور بوده است (مجیدزاده، ۱۳۹۶: ۱/۱۷۴). همچنین، به رغم این که از طریق اثر یک مهر استوانه‌ای، دانسته شده است که واراد-سین (برادر و سلف ریم-سین یکم در پادشاهی لارسا) نیز دارای پسری به نام ریم-سین بوده است، اما مدرکی وجود ندارد که بتواند به طور قطع اثبات‌کننده نسبت خانوادگی میان این فرد اخیر و ریم-سین معاصر حمورابی باشد (Fitzgerald, 2002: 154). در نتیجه، نه می‌توان بدون شک و تردید اظهارنظر کرد که این همان پسر واراد-سین و برادرزاده ریم-سین یکم بوده است که با عنوان ریم-سین دوم بر تخت سلطنت لارسا تکیه زده و بر ضد سامسو-ایلونا دست به شورش زده است

و نه امکان رد این نظریه با اطمینان کامل وجود دارد. در هر صورت چیزی که مشخص است، این است که این دو شخصیت دو فرد مجزا هستند که سرنوشتی بسیار شبیه به هم دارند. وجود چنین نمونه‌هایی در متن کتاب در کنار عدم وجود ساختار علمی یا ادبیات نگارشی نوآورانه و طرح نظریات علمی جدید نشان می‌دهند که این اثر از نظر روزآمدی اطلاعات و داده‌ها با نیازهای روز جامعه پژوهشی همخوانی ندارد.

۳-۵. میزان هماهنگی محتوا با مبانی و پیش‌فرض‌ها
۳-۵-۱. میزان سازواری محتوای علمی اثر با مبانی و پیش‌فرض‌های پذیرفته شده

محتوای علمی و پژوهشی اثر با پیش‌فرض‌های ارائه شده در متن همخوانی قابل قبولی دارد، اما دارای سازواری چندانی با مبانی و پیش‌فرض‌های پذیرفته شده امروزی (به ویژه از ۱۹۹۵ میلادی به بعد) نیست.

۳-۵-۲. میزان سازواری محتوای علمی اثر با مبانی و اصول دینی و اسلامی

با در نظر گرفتن محدوده زمانی مورد بررسی در کتاب ارتباط چندانی میان مباحث مطروحه و ارزش‌های دینی و اسلامی به چشم نمی‌خورد. اما از سوی دیگر اثر حاضر می‌کوشد گذشته سرزمینی را بررسی کند که امروزه در حوزه سرزمین‌های مسلمان قرار دارد.

۳-۶. میزان انطباق و جامعیت اثر

مؤلف تمامی کوشش خود را مبذول داشته تا محتوای فصول ده‌گانه اثر با عناوین مندرج در فهرست

مطالب منطبق و هماهنگ باشد و تا حدی نیز از عهده این مهم برآمده است. لازم به ذکر است در هنگام نگارش آثاری که به بررسی تاریخ یک تمدن یا قوم در چنین حوزه زمانی وسیعی اختصاص دارند، نمی‌توان به تمامی مباحث و موضوعات موجود پرداخت. از این رو، مؤلفان چنین آثاری ناچارند به صورت گزینشی عمل کرده، به انتخاب و طبقه‌بندی عناوین مدنظر خود بپردازند. بنابراین مورخ خواه-ناخواه باید جهت حفظ هماهنگی میان مباحث و حجم کتاب از کنار برخی موضوعات رد شوند یا تمرکز کمتری بر شرح بعضی از مسائل مبذول دارند. نکته-ای که در هنگام انجام این گزینش و انتخاب عناوین حائز اهمیت است، این است که مؤلف بتواند به درستی تشخیص دهد که وجود کدام مباحث در اثر ضروری است و حذف یا عدم توجه کافی به کدام موضوعات با توجه به رویکرد و محتوای کلی اثر ضرر چندانی به دنبال نخواهد داشت. در رابطه با اثر حاضر می‌توان انتقاداتی به نحوه گزینش و انتخاب مباحث و نیز عناوین برخی از فصول مطرح کرد. به عنوان نمونه بهتر بود بخش مهمی از فصول سوم و هفتم به طور کلی از دستور کار مؤلف خارج می‌شد (مراد بخش‌هایی است که در فصل سوم درباره شهرهای جنوبی میان‌رودان ذکر شده است، در حالی که بخشی از این مطالب در فصول بعدی نیز مورد بررسی قرار گرفته است و همچنین بخشی از فصل هفتم که تحت عنوان روابط سلسله کاسی با مصر و امپراتوری هیتی به مسائلی پرداخته است که هماهنگی چندانی با موضوع و درون‌مایه اصلی اثر

ندارد) و در عوض آن، مطالبی در باب مباحث مهمی مانند مذهب و اسطوره‌شناسی بابلی درج می‌شد. به عبارت دیگر، توضیحات اندک مؤلف در باب اساطیر و عقاید بابلیان در فصل چهارم و نیز اشارات پراکنده وی به این مسائل در سایر فصول برای شناخت و درک بهتر فضای فرهنگی و تاریخی بابل در دوران باستان کافی نیست.

۳-۷. وضعیت ابزارهای علمی اثر

اثر حاضر به نسبت زمان انتشار خود به خوبی از ابزارهای علمی و صوری بهره برده است، اما در مقام مقایسه با آثار جدید از وضعیت چندان مساعدی برخوردار نیست. البته ذکر این نکته ضروری است که امکان جبران بخش زیادی از عقب‌ماندگی نسخه برگردان فارسی کتاب در برابر سایر کتب تاریخی مشابه نیز از طریق جایگزین کردن برخی تصاویر با تصاویر جدیدتر یا رفع ایرادات موجود در گاهشماری (که به ویژه در فهرست‌های انتهای کتاب نمود یافته است)، وجود داشت. بزرگ‌ترین ضعف ابزاری موجود در کتاب که پیش از این نیز بدان اشاره شد، فقدان وجود نمایه و فهرست اعلام است که عدم درج آن با توجه به این که نسخه اصلی اثر دارای نمایه است، تعجب برانگیز است.

۳-۸. کیفیت به کار بردن اصطلاحات تخصصی

پاره‌ای از اصطلاحات تخصصی و به ویژه برخی از نام‌های اماکن و اشخاص به گونه‌ای در کتاب ضبط شده‌اند که با شیوه نگارش قراردادی در میان مترجمان و مؤلفان ایرانی دارای تفاوت است. از جمله اسامی کاپادوکیا و کلیکیا که معمولاً در متون

فارسی به صورت کاپادوکیه و کلیکیه ضبط شده اند (البته لازم به ذکر است که ختم کردن نام این دو شهر به حرف "آ" از نظر نزدیکی به تلفظ لاتین این واژگان صحیح‌تر نیز به نظر می‌رسد). در مجموع مترجم در تلاش برای یافتن و به کار بردن معادل‌های مناسب برای اصطلاحات تخصصی تلاش وافر انجام داده و تا حد زیادی در این امر موفق بوده است، بنابراین اشتباهات کوچکی از قبیل به کار بردن دو نوع ضبط متفاوت برای واژه اموری‌ها نیز قابل چشم‌پوشی است (نام این قوم در صفحه ۱۵۴ به صورت اموری‌ها و در صفحه ۱۱۵ به صورت عموری‌ها درج شده است).

۳-۹. نقد و تحلیل رویکرد کلی اثر

اثر حاضر به طور کلی دربردارنده اطلاعاتی درباره تاریخ و فرهنگ بابل باستان است، یعنی به موضوعی می‌پردازد که بیشتر مورد توجه قشر کتابخوان عمومی علاقه‌مند به تاریخ و همچنین مخاطبان دانشگاهی، به ویژه دانشجویان رشته تاریخ ایران باستان قرار دارد. این اثر را در رابطه با مخاطب غیرتخصصی که صرفاً به هدف کسب اطلاعاتی عمومی از تاریخ بابل به مطالعه کتاب می‌پردازد می‌توان به عنوان گزینه‌ای مناسب در نظر گرفت، اما «تاریخ بابل» به جهت رویکردهای علمی قدیمی موجود در اثر و عدم برخورداری از نگرش و دید تازه به تاریخ بهره‌چندانی عاید مخاطبان تخصصی و پژوهشگران ایران و جهان نخواهد کرد. بنابراین انتشار چنین کتبی تنها می‌تواند به جهت تأثیر در ایجاد دید تاریخی عمومی در خوانندگان و همچنین

ماهیت معرفت‌آموز تاریخ که مورد اشاره اولیای دینی نیز بوده است، سودمند واقع شود.

۳-۱۰. نقد و تحلیل کاربرد اثر در برنامه‌های آموزشی

با در نظر گرفتن این موضوع که در میان درس‌های رشته تاریخ در دوره کارشناسی و نیز در هیچ یک از گرایش‌های این رشته در مقاطع بالاتر، واحدی برای تاریخ میان‌رودان و بابل پیش‌بینی نشده است، محتوای کتاب ارتباط مستقیم چندانی با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ندارد. در حقیقت با وجود نیاز مبرم به تغییر و تجدید نظر در سرفصل‌های مصوب این وزارتخانه، در شرایط کنونی تنها فصل نهم اثر حاضر به مباحثی پرداخته است که به صورت مستقیم در دروس دانشگاهی مورد بررسی قرار می‌گیرند (شرح چگونگی سقوط بابل و ورود هخامنشیان به میان‌رودان). همچنین برخی از فصول کتاب نیز تا حدی با سرفصل‌های برخی دروس مقطع کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان مرتبط است (نظیر فصل‌های پنجم و هفتم)؛ اما از سویی دیگر حتی در صورت تعیین درسی تحت عنوان تاریخ و فرهنگ بابل باستان از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری چندان شایسته نبود که با وجود عناوین جدیدتر و کارآمدتر، کتاب «تاریخ بابل» به عنوان منبع اصلی این درس مورد استفاده قرار گیرد.

۴. نقد و تحلیل جایگاه اثر

جایگاه «تاریخ بابل» در میان سایر آثار پژوهشی تاریخ جهان باستان و به ویژه میان‌رودان از دو منظر متفاوت قابل تحلیل و ارزیابی است. به

عبارت دیگر، ضروری است جایگاه اثر حاضر هم در مقایسه با آثار هم‌عصر خود و هم در قیاس با متون و پژوهش‌های علمی روز مورد تعیین و تبیین قرار گیرد. به نظر می‌رسد کتاب به جهت استفاده مناسب از مؤلفه‌های جامعیت صوری به نسبت سایر آثار تاریخی اوایل سده بیستم میلادی، و نیز به سبب بهره‌مندی از نتایج جدیدترین کاوش‌های باستان‌شناسی آن زمان، در حوزه زمانی انتشار خود از جایگاه خوبی برخوردار بوده است، اما از سوی دیگر در مقایسه با خیل آثار علمی و پژوهشی جدیدتر حائز جایگاه خاصی نیست و تنها می‌تواند در کنار آثار روزآمد و نو، به عنوان متنی در جایگاه مقدمه و درآمدی بر شناخت تمدن بابل باستان معرفی شود.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

کتاب «تاریخ بابل از تأسیس سلطنت تا غلبه ایرانیان» محصول و فرآورده عصری است که طی آن تاریخ‌نگاری میان‌رودان باستان در پی سربرآوردن بقایای تمدن‌های باستانی این منطقه وارد مرحله جدیدی شد. لئونارد ویلیام کینگ، مؤلف بریتانیایی این اثر هرچند کوشیده است عمده‌ترین مباحث و موضوعات مرتبط با تاریخ و فرهنگ بابل در دوران باستان را در کتابی نه چندان پرحجم ارائه دهد، اما در انتخاب و گزینش برخی از عناوین مورد نظر خود به گونه‌ای عمل کرده است که می‌تواند مورد انتقاد قرار گیرد. درحقیقت پرداختن به برخی موضوعات نه چندان مهم که برای مخاطبان تخصصی و تاریخ‌پژوهان ارزش چندانی

ندارد، سبب شده است که کتاب بیشتر به صورت اثری عمومی با مطالبی عامه‌پسند جلوه‌گر شود. گذشته از این، گذشت بیش از یک قرن از انتشار این اثر موجب تحولات عظیمی در تصور مورخان از بابل باستان و تغییرات عمیقی در بسیاری از پیش‌فرض‌ها و مبانی پذیرفته‌شده در دهه‌های نخست سده بیستم میلادی شده است. با توجه به این مسائل، اصلی‌ترین پرسشی که ذهن مخاطب تاریخ‌پژوه را مشغول می‌سازد این است که با توجه به تعدد آثار پژوهشی و علمی فاخر و روزآمد در باب تاریخ بابل که در بخش منابع و مآخذ در پایان این پژوهش تنها به چند نمونه از آن‌ها اشاره شده است، از چه روی شرکت انتشارات علمی و فرهنگی که تجربیات فراوانی در چاپ و انتشار کتب ارزشمند و مهم تاریخی دارد، و نیز مترجم مجرب و شناخته‌شده‌ای چون رقیه بهزادی به سراغ ترجمه و نشر این اثر قدیمی و نه چندان کاربردی رفته‌اند؟ همچنین بررسی وضعیت فیزیکی و شکلی نسخه برگردان فارسی اثر نشان می‌دهد که شوربختانه ناشر گرامی تلاش قابل توجهی برای رعایت حداقل استانداردهای کیفی نیز به کار نبسته است. از سوی دیگر، با وجود ناآشنا بودن مؤلف برای خوانندگان فارسی زبان هیچ‌گونه اطلاعاتی درباره این فرد و آثار و جایگاه علمی وی ارائه نشده است. درحقیقت، خواننده با اثری مواجه است که نه دارای کیفیت فیزیکی مناسبی است و نه با مبانی و پیش‌فرض‌های پذیرفته‌شده جامعه پژوهشی سازگاری و انطباق دارد.

با این همه نگارندگان این پژوهش بر این باور هستند که اثر حاضر تنها در صورت اعمال برخی تغییرات بنیادین در چاپ‌های آتی می‌تواند به عنوان منبعی عمومی و نه چندان مورد استناد، صرفاً برای بهره‌گیری مخاطبان غیرتخصصی سودمند باشد. به عبارت دیگر ضروری است که در چاپ‌های بعدی توجه ویژه‌ای به بهبود کیفیت فیزیکی، شکلی و همچنین روزآمد کردن اثر تا حد امکان مبذول شود.

۶. پیشنهادات

۶-۱. پیشنهاداتی برای چاپ‌های آتی اثر حاضر

۱. ارتقا سطح کیفیت کاغذ و جلد کتاب
۲. بهبود کیفیت ابزارهای جامعیت صوری (از جمله جایگزین کردن برخی تصاویر با تصاویر و عکس‌های جدیدتر و به ویژه افزودن یک یا چند نمایه یا فهرست اعلام در انتهای اثر)
۳. افزودن مقدمه یا پیشگفتاری از سوی مؤلف یا ناشر محترم به جهت تبیین و توضیح علل چاپ این اثر، شرح جایگاه و همچنین معرفی مختصر مؤلف آن.
۴. افزودن تعلیقات و پی‌نوشت‌های لازم توسط مؤلف گرامی، با استفاده از پژوهش‌های علمی جدید که می‌تواند وضعیت اثر را از حیث روزآمد بودن بهبود بخشد.

۶-۲. پیشنهاداتی برای انتشار سایر کتب و آثار

تاریخی

۱. سابقه طولانی و قابل توجه شرکت انتشارات علمی و فرهنگی در چاپ و نشر کتاب به صورت طبیعی سبب بالارفتن سطح انتظار مخاطبان در بهبود کیفیت

فیزیکی آثار مطبوعه این نشر است. از همین رو، شایسته است ناشر محترم از طریق مدیریت هزینه‌ها آثاری با ظاهری شکیل‌تر و مناسب‌تر را در اختیار خوانندگان خود قرار دهد. به عنوان نمونه یکی از ایرادات بزرگ بسیاری از آثار مطبوعه این نشر، حروفچینی نامناسب و ضعیف است. به نظر می‌رسد ناشر گرامی تفاوتی میان حروفنگاری آثار تاریخی با آثار دیگر حوزه‌های علوم قائل نیست. پیشنهاد می‌شود در حروفچینی آثار تاریخی از قلم بدر استفاده شود، زیرا از نظر ظاهری چشم‌نوازتر و جذاب‌تر است و همچنین توان انتقال شکوه و ابهت مباحث تاریخی را دارا بوده، با ماهیت متون تاریخی مطابقت بیشتری دارد.

۲. دکتر رقیه بهزادی مترجم اثر در سال‌های گذشته توفیق ترجمه و انتشار آثار تاریخی باارزشی را داشته است. از این روی، با توجه به سوابق علمی مترجم، پیشنهاد می‌شود ایشان به ترجمه کتب و متون پژوهشی جدیدتر و کارآمدتر پرداخته، از ترجمه آثار قدیمی و عمومی پرهیز کنند. همچنین ایشان می‌توانند با توجه به کمبود شدیدی که در زمینه ترجمه متون اصلی تاریخی در کشور احساس می‌شود، (و همچنین کیفیت پایین برخی از ترجمه‌های قدیمی از این آثار که ضرورت انجام ترجمه‌ای مجدد را ایجاد می‌کند) از طریق ترجمه و انتشار متون و آثار کلاسیک یونانی و رومی مرتبط با تاریخ ایران باستان، خدمتی ارزنده و جاویدان به تاریخ‌پژوهان کنند.

در خاتمه اشاره به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری هیچ‌گونه واحد درسی در باب تاریخ میان-رودان، چین، هند، مصر، یونان و روم باستان برای دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری تاریخ ایران باستان پیش‌بینی نشده است. این در حالی است که با توجه به ارتباطات وسیع و دامنه‌داری که در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی میان این تمدن‌ها و ایران باستان برقرار بوده است، اختصاص واحدهای درسی به تاریخ و فرهنگ این حوزه‌های تمدنی می‌تواند سود قابل توجهی در درک بهتر و عمیق‌تر فرهنگ و تمدن ایران باستان عاید دانشجویان این رشته سازد. در نتیجه، پیشنهاد می‌کنیم با حذف برخی از دروس نه چندان مرتبط (و بعضاً کاملاً غیرمرتبط)، حداقل چهار واحد درسی تحت عنوان تاریخ و تمدن میان‌رودان باستان در برنامه درسی دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان پیش‌بینی شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. اموری‌ها از طوایف سامی‌نژادی بودند که در پایان هزاره سوم پیش از میلاد شروع به سکونت در مناطق شمالی و مرکزی بابل کردند. نخستین سلسله بابل در حدود سال ۱۸۹۴ پیش از میلاد توسط یکی از رهبران اموری‌ها به نام سومو-آبوم تأسیس شد. نک. به: (Arnold, 2005: 37)

۲. حمورابی (۱۷۵۰-۱۷۹۲ پ.م)؛ ششمین و بزرگترین فرمانروای سلسله نخست بابل بود که در طول دوران حکومت طولانی خود موفق شد محدوده قلمرو پادشاهی بابل را به طور قابل توجهی گسترش دهد. نک. به: (Leick, 2010: 82)
۳. هیتی‌ها مردمانی هندواروپایی زبان بودند که در سال‌های آغازین سده شانزدهم پیش از میلاد تحت رهبری مورسیل (مورسیلیس) یکم شهر بابل را غارت کرده و به عمر سلسله نخست بابل خاتمه دادند. (مجیدزاده، ۱۳۹۶: ۱۷۶)
۴. دومین سلسله بابل که تحت عنوان سلسله کشور دریا یا سرزمین دریا نام‌گذاری شده است و در سال‌های پایانی حکومت سامسو-ایلونا در بابل، توسط فردی به نام ایلوما-ایلوما تأسیس شد. (مجیدزاده ۱۳۹۶: ۱۷۴-۱۷۵)
۵. پس از سقوط سلسله نخست بابل به دست هیتی‌ها، اقوام کاسی از سرزمین‌های شرقی به میان‌رودان وارد شده، سلسله‌ای تأسیس کردند که از حدود ۱۶۰۰ تا ۱۱۵۵ پ.م دوام آورد. نک. به: (Leick, 2003: 44)
۶. شمش در مقام خدای خورشید به عنوان یکی از مهم‌ترین خدایان در میان‌رودان باستان مورد توجه بود. نک. به: (Leick, 2010: 157)
۷. لارسا یکی از شهرهای مهم جنوبی میان‌رودان واقع در ۲۰ کیلومتری جنوب اوروک بود. نک. به: (Fitzgerald, 2002: 6)
۸. نخستین هجوم کاسی‌ها به غرب و سربرآوردن شورش فراگیر در جنوب میان‌رودان به رهبری ریم-

سین دوم شاه لارسا، دربرگیرنده دو رویداد مهم سال نهم سلطنت سامسو-ایلونا، فرزند و جانشین حمورابی بود که سبب آغاز بحران در حکمرانی نخستین سلسله بابل شد. البته شورش ریم-سین در سال هشتم فرمانروایی سامسو-ایلونا آغاز شد و در سال بعد با شکست این شاه شورش خاتمه یافت. نک. به: (Leick 2010: 149)

۹. هرودوت هالیکارناسی در بندهای ۱۷۸ تا ۲۰۰ کتاب دوم از "تواریخ" خویش - ائوترپه - به ذکر مطالبی در باب دیوارها، باروها و محلات بابل و نیز برخی از فرمانروایان این شهر و چگونگی گشوده شدن آن به دست کوروش دوم پرداخته است. بروسوس نیز یکی از کاهنان معبد مردوک در سده سوم پیش از میلاد و صاحب اثری موسوم به بابیلونیکا در باب تاریخ میانرودان و بابل بوده است. نک. به: (Leick 2010: 34)

۱۰. کلدانیان مؤسسان واپسین سلسله پادشاهی بابل بودند که در ۶۲۶ پ.م تأسیس شد و در ۱۲ اکتبر ۵۳۹ پ.م با ورود ارتش هخامنشیان به شهر و تبعید آخرین شاه بابل به کارمانیا (کرمان امروزی) برچیده شد. نک. به: (Beaulieu, 2018: 243)

منابع و مأخذ فارسی

بادامچی، حسین (۱۳۹۲). *قانون حمورابی*، تهران: نگاه معاصر.

کار، ادوارد هالت (۱۳۸۷). *تاریخ چیست؟*، ترجمه حسن کامشاد، چاپ ششم، تهران: خوارزمی.

کینگ، لئونارد ویلیام (۱۳۸۶). *تاریخ بابل از تأسیس سلطنت تا غلبه ایرانیان*، ترجمه رقیه بهزادی، چاپ دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

مجیدزاده، یوسف (۱۳۹۶). *تاریخ و تمدن بین-النهرین (تاریخ سیاسی)*، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

میرجعفری، حسین و نورائی، مرتضی (۱۳۸۸). *روش پژوهش در تاریخ*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

تاریخ بابل از تأسیس سلطنت تا غلبه ایرانیان» اثر لئونارد ویلیام کینگ، ترجمه رقیه بهزادی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۴۰۳ صفحه، چاپ دوم، ۱۳۸۶

منابع و مأخذ لاتین

Arnold, Bill T. (2005). *Who were the Babylonians?*, Leiden: Koninklijke Brill NV.

Beaulieu, Paul Alain (2018). *A history of Babylon, 2200BC–75AD*, Hoboken, NJ: John Wiley & Sons Ltd.

Fitzgerald, Madelein Andre (2002). “*The rulers of Larsa*”, A dissertation presented to the faculty of the graduate school of Yale University.

King, Leonard William (1915). *A history of Babylon from the foundation of the monarchy to the Persian conquest*, London: Chatto & Windus.

Leick, Gwendolyn (2003). *The Babylonians, An introduction*, London: Routledge.

Leick, Gwendolyn (2010). *Historical dictionary of Mesopotamia*, second edition, Lanham, Maryland: Scarecrow Press, Inc.